

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

درس سی و پنجم- بتهوون "بتهوون" می نوازد

دو خبر نگار رادیو "د" هنوز در این فکرند آیا حدس و گمان دانشجویان موسیقی می تواند درست باشد یا نه. اما اوایلایا از آنها یک قدم جلوتر است. او کشیک شبانه انجام داده است.

اوایلایا به صورت غیر منتظره در بن ظاهر شده و به کمک پاولا و فیلیپ می آید. او نوازنده ناشناس پیانو را دیده و می داند صدای شبانه موسیقی از کجا می آید. با اطلاعات و راهنمایی که اوایلایا می کند، خبر نگاران رادیو "د" می خواهند با بتهوون "جوان" یک مصاحبه انجام دهند. اما آیا آنها موفق می شوند این موسیقیدان را پیدا کنند؟

هرچند پاولا و فیلیپ هنوز موفق نشده اند علت کنسرت های عجیب و غریب را پیدا کنند، ولی پروفیسور ما می تواند توضیح دهد، چگونه دلیل تراشی و اثبات می کنند. او برای این کار از جملات عللی (سببی) استفاده می کند.

Manuskript der Folge 35

مجری:

شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن سی و پنجمین بخش از سری برنامه آموزش زبان آلمانی رادیو D دعوت می کنم. فیلیپ و پاولا مصاحبه خود را پیرامون این دانشجوی پیشین رشته موسیقی، یعنی همان کسی که همه بتهوون می خوانند، انجام داده اند، وسایلشان را جمع کرده اند و به این موضوع فکر می کنند که حال مایل به انجام چه کاری هستند. به این صحنه گوش کنید. و به اظهارات پیرامون این پرسش توجه کنید که چرا احتمالاً این بتهوون جدید در موزه بتهوون پیانو می زند.

Szene 1: Auf der Straße

Philipp

So – das war's.

Paula

Philipp, was meinst du: Ob der neue Beethoven da nachts im Museum spielt? Und warum gerade im Museum?

Philipp

Weil er da geboren ist!

Paula

Ach, komm! So ein Quatsch!

Philipp

Wieso?

Die Studentin hat doch gesagt: Beethoven spielt Beethoven.

Eulalia

Aber wer sagt denn, dass er im Museum spielt? Ich habe gestern Nacht auch die Musik gehört, und sie kam ganz sicher nicht aus dem Museum.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula

Ja hallo Eulalia. Du kommst ja immer im richtigen Moment!
Und woher kam die Musik dann?

Eulalia

Ich habe die Musik gehört – und den Klavierspieler gesehen.

Philipp

Eulalia, mach's nicht so spannend.
Wo hast du ihn gesehen?

Eulalia

Im Nachbarhaus.

Paula

Da gehen wir heute hin!

Philipp

Etwa wieder um Mitternacht??

مجری:

در پاسخ به این پرسش پاولا که می‌پرسد چرا این بتهوون جدید در موزه پیانو می‌زند، فیلیپ به کنایه می‌گوید، چون او در موزه به دنیا آمده است.

Paula

Und warum gerade im Museum?

Philipp

Weil er da geboren ist.

مجری:

بدیهی است که این بتهوون جدید در موزه به دنیا نیامده است، اما شاید شما هنوز به یاد دارید که موزه بتهوون شهر بن، همان خانه‌ای است که بتهوون در آن متولد شده است.
این گفته فیلیپ را پاولا حرفی بی‌معنی و بی‌اساس می‌داند.

Paula

Ach, komm! So ein Quatsch!

مجری:

فیلیپ اما این گفته آن دانشجوی دختر را تکرار می‌کند که کسی را که مردم بتهوون می‌نامند، کسی است که نه تنها موسیقی بتهوون می‌زند، بلکه حتی خود را مثل بتهوون می‌آراید...

Philipp

Wieso? Die Studentin hat doch gesagt:
Beethoven spielt Beethoven.

مجری:

فیلیپ و پاولا مجال آن را نمی‌یابند که پیرامون حدس و گمان خود تامل بیشتری بکنند، چون یکبار سر و کله اوایلایا پیدا می‌شود. آشکارا است که اوایلایا این بار فیلیپ و پاولا را هنگام پیاده روی شبانه‌شان در بن تعقیب کرده است.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

و اوپالیا توانسته از بالا محل اجرای شبانه موسیقی را بهتر تشخیص دهد، نه تنها از این رو که او از بالا نوای موسیقی را شنیده است، بلکه حتی از پنجره‌ای موفق به دیدن فرد نوازنده پیانو نیز شده است.

Eulalia

Ich habe die Musik gehört – und den Klavierspieler gesehen.

مجری:

اوپالیا اما مایل نیست که آن چه را که می‌داند صاف و ساده در اختیار فیلیپ و پاولا قرار دهد، و فیلیپ که اندکی هم عصبانی شده است از او می‌خواهد که برای اطلاعاتش خیلی بازار گرمی نکند و آنچه می‌داند بگوید. فیلیپ می‌خواهد بداند که اوپالیا صدای نوازنده موسیقی را کجا شنیده است. در واقع، محل اجرای این موسیقی در موزه نبوده، بلکه در خانه‌ای در همسایگی موزه بوده است.

Philipp

Eulalia, mach's nicht so spannend.
Wo hast du ihn gesehen?

Eulalia

Im Nachbarhaus.

مجری:

و فیلیپ و پاولا حال تصمیم دارند که امروز به آن محل بروند، البته نیمه‌شب و اوپالیا نیز آنها را همراهی خواهد کرد. و تا آنجا که من فیلیپ و پاولا را می‌شناسم، می‌دانم که افرادی با پشتکار هستند و از این رو مایلند این نوازنده پیانو را ببینند و در صورت امکان با او مصاحبه هم بکنند. به این صحنه گوش کنید و ببینید که آن دو نیمه شب مشغول چه کاری هستند. توجه کنید که موسیقی دقیقاً از کجا پخش می‌شود. و این موضوع را از کجا می‌شود متوجه شد؟

Szene 2: Auf der Straße und im Haus

Paula

Eulalia, meinst du dieses Haus?

Eulalia

Ich glaube ja.

Philipp

Was heißt "Ich glaube?" Weißt du es nicht?

Eulalia

Von oben sieht alles anders aus. Einen Moment.
Ja, stimmt, das ist es.

Paula

Philipp, wir haben Glück, die Tür ist offen.

Paula

Jetzt aber schnell.

Philipp

Oh, warum wohnt der nur ganz oben?

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula

Und jetzt?? **Diese** Tür ist zu.

Philipp

Na und? Wir klingeln!

Paula

So spät?

Philipp

Egal, da spielt ja auch noch jemand Klavier.

مجری:

بی‌تردید شما هم متوجه شدید که فیلیپ و پاولا چگونه شتابان از پله‌ها بالا می‌روند. تا جایی که فیلیپ از نفس می‌افتد. او می‌پرسد که چرا این نوازنده پیانو "کاملاً بالا" یا شاید در طبقه زیرشیروانی زندگی می‌کند.

Philipp

Oh, warum wohnt der nur ganz oben?

مجری:

و از این موضوع که صدای موسیقی هر لحظه بیشتر می‌شود، شما می‌توانید متوجه شوید که صدای موسیقی از طبقات بالایی خانه می‌آید. اما فیلیپ و پاولا ابتدا می‌بایست خانه‌ای را بیابند که اوایلیا از آن خانه صدای موسیقی را شنیده بود. و زمانی که آنها به خانه‌ها می‌رسند، پاولا خانه‌ای را نشان می‌دهد و از اوایلیا می‌پرسد که آیا این همان خانه است.

Paula

Eulalia, meinst du dieses Haus?

مجری:

اوایلیا در ابتدا مطمئن نیست چون که او خانه را از بالا و به هنگام پرواز دیده و از بالا همه چیز شکل دیگری دارد.

Eulalia

Von oben sieht alles anders aus.
Einen Moment.

Jaaaa, stimmt, das ist es.

مجری:

اما سرانجام اوایلیا خانه را می‌شناسد و شانس نیز با آنان همراهی می‌کند، چون در خانه باز است.

Paula

Philipp, wir haben Glück, die Tür ist offen.

مجری:

از این رو آنها می‌توانند وارد خانه شوند. هنگامی که آنها از پله‌ها بالا رفته و خود را به خانه نوازنده پیانو می‌رسانند، در خانه او طبیعی است که بسته است. و حال آنها می‌بایست با توجه به این موضوع که نیمه شب است، تصمیم بگیرند که آیا زنگ خانه را بزنند یا نزنند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula

Und jetzt?? **Diese** Tür ist zu.

مجری:

پاولا و فیلیپ تصمیم می‌گیرند که زنگ بزنند.
و فیلیپ این تصمیم را این گونه توجیه می‌کند که بهر حال کسی در این لحظه سرگرم نواختن پیانو است.

Philipp

Na und? Wir klingeln!

Paula

So spät?

Philipp

Egal, da spielt ja auch noch jemand Klavier.

مجری:

کسی در را باز می‌کند. او یک دانشجو است. به این صحنه گوش کنید.

Paula

Hallo, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Willkommen ...

Paula

... bei Radio D.

Philipp

Radio D ...

Paula

... Reportage.

مجری:

واکنش فردی که هم‌خانه بتهوون است چیست؟ به لحن کلام او توجه کنید.

Szene 3: Im Haus, vor der Wohnungstür

Paula

Ich höre Schritte, da ist wohl noch jemand außer Beethoven wach.

Philipp und Paula

Guten Abend.

Junger Mann

N' Abend. Seid ihr Freunde von Beethoven?

Philipp

Nicht direkt. Aber wir müssen ihn unbedingt sprechen.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Junger Mann

Jetzt um diese Zeit? Aber sonst geht es euch gut, oder?
Wisst ihr, dass es Mitternacht ist?

Paula

Entschuldigung, können wir nicht ganz kurz mit ihm sprechen?

Junger Mann

Nein, das geht jetzt nicht.

Philipp

Warum geht das nicht?

Junger Mann

Warum, warum?! Weil ihr ihn jetzt nicht stören dürft, weil es Mitternacht ist und weil ich schlafen will. Jetzt ist Schluss!!

Das Spiel ist aus. Also, gute Nacht.

مجری:

این تلاش نخست چندان هم موفقیت‌آمیز نبود. آیا متوجه شدید که خشم فرد هم‌خانه بتهوون لحظه به لحظه بیشتر می‌شود؟ در ابتدا او برخوردی دوستانه دارد و می‌پرسد که آیا فیلیپ و پاولا از دوستان بتهوون هستند؟

Junger Mann

N' Abend. Seid ihr Freunde von Beethoven?

مجری:

فیلیپ و پاولا نمی‌خواهند اعتراف کنند که آنها بتهوون را نمی‌شناسند. از این رو پاسخ فیلیپ که گفت "نه مستقیماً"، پاسخ چندان روشنی نیست. آنچه که صریح بیان می‌شود این است که آنها می‌بایست UNBEDINGT یعنی بی‌چون و چرا با بتهوون صحبت کنند.

Philipp

Nicht direkt. Aber wir müssen ihn unbedingt sprechen.

مجری:

اینجا است که لحن مرد جوان اندکی تند می‌شود و به گونه‌ای کنایه‌آمیز می‌پرسد: "از این حرفها گذشته، حالتون که خوبه؟" که معنی سخنش در واقع این است که "شما خل و دیوانه هستید".

Junger Mann

Jetzt um diese Zeit? Aber sonst geht es euch gut, oder?
Wisst ihr, dass es Mitternacht ist?

مجری:

پس از آن پاولا یک بار دیگر می‌پرسد که آیا آنها نمی‌توانند دستکم خیلی کوتاه با بتهوون حرف بزنند. مرد جوان از پذیرش این درخواست امتناع می‌ورزد و هنگامی که فیلیپ می‌پرسد چرا چنین چیزی ممکن نیست، مرد جوان بسیار خشمگین و عصبانی می‌شود. و او کلمه چرا را تکرار کرده و دلایلی بر می‌شمارد و دست آخر یادآور می‌شود که نیمه شب است.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Junger Mann

Warum, warum?! Weil ihr ihn jetzt nicht stören dürft, weil es Mitternacht ist und weil ich schlafen will. Jetzt ist Schluss!!

مجری:

و از آن گذشته به گمان من منظور از این جمله که "بازی تمام شد"، نواختن پیانو نبوده...

Junger Mann

Das Spiel ist aus. Also, gute Nacht.

مجری:

حداقل فیلیپ و پاولا از این ماجرا متوجه می‌شوند که کسی که پیانو می‌زند، همان بتهوون "جدید" است. اما علت این موضوع که چرا وی همیشه نیمه‌شب پیانو می‌نوازد را آنها هنوز نمی‌دانند. و من هم باید اعتراف کنم که این موضوع برای من هم روشن نیست. من اما علت آمدن پرفسور را می‌دانم. او آمده است تا توضیحاتی پیرامون زبان آلمانی به شما بدهد.

Paula

Und nun kommt – unser Professor.

Philipp

Radio D ...

Paula

... Gespräch über Sprache.

پرفسور:

من هم علت این موضوع که چرا بتهوون جوان نیمه شب‌ها پیانو می‌زند را نمی‌توانم به شما شنوندگان عزیز توضیح دهم. اما من می‌توانم به شما توضیح دهم که در زبان آلمانی ما چگونه می‌توانیم برای موضوعی دلیل بیاوریم و آن را اثبات کنیم. از طریق استفاده از یک جمله پیرو.

مجری:

و این جمله پیرو فقط جمله‌ای است که با حرف ربط WEIL یعنی چونکه، زیرا و به دلیل اینکه شروع می‌شود.

Sprecher

weil – weil

پرفسور:

صحیح است. به این نمونه گوش کنید.

Sprecher

Warum geht das nicht?

Sprecherin

Das geht nicht, weil ich schlafen will.

مجری:

در پاسخ به این پرسش، نیازی به تکرار جمله اصلی و پایه نیست.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

پروفسور:

حق کاملاً با شماست. به ویژه در گفت‌وگو چنین چیزی معمول نیست. آدمی استدلال خود را مستقیماً با حرف ربط WEIL شروع می‌کند.

Sprecher

Warum geht das nicht?

Sprecherin

Weil ich schlafen will.

مجری:

و در جملات پیرو، فعل صرف شده در پایان جمله می‌آید.

پروفسور:

بله، این صحیح است. یک بار دیگر به استدلال این دانشجو گوش کنید.

Junger Mann

Warum, warum?! Weil ihr ihn jetzt nicht stören dürft, weil es Mitternacht ist und weil ich schlafen will. Jetzt ist Schluss!!

مجری:

با سپاس از شما آقای پروفسور.

شنودگان گرامی موضوع برنامه بعد، شخص بتهوون واقعی و اصلی، یعنی لودویگ فان بتهوون است.

Paula

Bis zum nächsten Mal, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Und tschüs.

آنچه شنیدید سری دوم آموزش زبان آلمانی رادیو D بود، تهیه شده توسط انستیتو گوته و رادیو دوپچه وله

Herrad Meese

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle